

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

۱۰/۱۱/۱۲

عرایضی چند خدمت آقای مهند *

۱- کلمه جهاد را در مورد جنگ ده ساله علیه قوای اشغالگر شوروی و حکومت دست نشانده آن باید کمی با احتیاط به کار برد. در این جنگ گروه های مختلفی در برابر نیرو های اشغالگر سلاح به دست گرفته بودند. هر یکی از این گروه ها انگیزه یا انگیزه های خاصی برای جنگیدن داشتند.

یکی از این گروه ها جنگی را که علیه شوروی و حکومت های خلق و پرچم به راه انداخته بود "جنگ مقاومت" می نامید؛ نه جهاد! این ها کسانی بودند که در سخت ترین شرایط در حالی که از هر سو - هم از جانب دولت هم از سوی عساکر متجاوز و هم از طرف آنانیکه خود را مجاهد مینامیدند و از پشتیبانی یک صد کشور جهان از مصر و هند گرفته تا امریکا و چین برخوردار بودند - زیر ضربات بی رحمانه قرار داشتند، برای آزادی و استقلال کشوری جنگیدند.

گروه دیگر، مردمی بودند که برای نجات دین و وطن شان بدون کدام چشم داشت و توقع و پاداشی از این یا آن قد راست نموده سلاح به دست گرفتند و جنگیدند و قربانی دادند. این گروه که اکثریت نیروی ضد تجاوز را تشکیل می داد وزنه اصلی و اساسی جنگ یا جهاد بود.

فقط جنگ اینها را، با توجه به معنی لغوی و معنی اصطلاحی کلمه جهاد، میتوان به تمام معنا "جهاد" خواند. زیرا اینها نه از بازی های ابر قدرت ها اطلاع داشتند، نه سر و دم شان به جایی بسته بود و نه به امید جاه و جلال و قدرت و حاکمیت و ... سلاح برداشته بودند؛ کسانی که مانند پدران شریف شان تنها یک هدف داشتند: نجات خاک و دین و بس.

گروه اول و دوم کسانی اند که نام شان باید در تاریخ کشور ما به خط جلی نوشته شود، اما از آنجا که تاریخ را همیشه زورمندان مینویسند، نام اینها را به مشکل میتوان در صفحات تاریخ مشاهده کرد.

گروه سوم گروه رهبران به اصطلاح جهادی بود. این گروه قبل از این که به وجود بیاید در دامن بیگانه ها غنوده بود و از خوان سرویسهای جاسوسی بیگانه تغذیه می شد. اینها قیام خود جوش مردم را مصادره کرده به بیراهه

بردند و بسیار ناجوانمردانه و ناشریفانه در خدمت دشمنان خاک و ملت، ارتجاع منطقه و ارتجاع بین المللی، قرار دادند.

در یک جمله جنگ ده ساله علیه روس سه صبغه داست:

- جهاد؛ آنچه مربوط می شود به عامه مردم.

- مقاومت؛ آنچه مربوط می شود به نیرو هائی آزادیبخش.

- خیانت؛ آنچه مربوط می شود به رده های بالا و رده های میانه تنظیم های اسلامی.

بخش دیگر سؤال تان را می توان اینگونه جواب گفت:

جنگ مردم ما علیه شوروی را می توان یک جنگ " افغان - شوروی " نامید که با تأسف به وسیله چند رذل خود فروخته طماع مصادره و تا حدی در خدمت بیگانگان قرار داده شد؛ بیگانگانی که آنرا خلاف حقیقت بی شرمانه به نام جنگ امریکا - شوروی معرفی نمودند.

امروز امریکا پیروزی افغانان بر شوروی را در زمره افتخارات خویش به حساب میاورد و میکوشد نقش مردم افغانستان را در این جنگ بسیار ناچیز نشان بدهد.

برخی از افغانان نیز به این اعتقاد هستند که بدون راکت های استینگر امریکائی (بدون سلاح و پول امریکا) شکست شوروی ممکن نبود. این تصورات اما بسیار جفاکارانه است. اولین و اساسیترین عامل شکست شوروی در افغانستان، اگر از حق نگذریم، افغانان بودند.

امروز مردمان یک یا دو ولایت علیه امریکا میجنگند. امریکا طی تقریباً ده سال نتوانسته مخالفین خویش را که تنها به دو ولایت مربوط می شود، شکست بدهد. ما نباید نقش مردم را در جنگ افغان - شوروی کم بزیم. در جنگ افغان - شوروی سراسر کشور به پا خاسته بود. وقتی دو ولایت چنین مقاومت میکنند، مقاومت یک کشور چطور خواهد بود؟

من آن جنگ را جنگ افغان - شوروی می دانم و به آن پیروزی هم افتخار میکنم. ملت ها وقتی تصمیم بگیرند که کاری را انجام بدهند، آنکار را انجام می دهند. افغانان هم تصمیم گرفته بودند که ملک شانرا از لوث بیگانه متجاوز پاک کنند. براین تصمیم خویش ماندند و ملک شان را آزاد نموده از لوث متجاوزین پاک کردند؛ مانند پدران شان!

۲- همان گونه که در بالا ذکر شد جهاد یا جنگ مقاومت را چند تا خود فروخته بی آبرو مصادره کرده در خدمت بیگانگان قرار دادند. اکثریت مردم چون از اینها در اوایل مقاومت شناخت درست نداشتند و فکر می کردند که تنظیم های این خود فروخته ها از درون ملت و به دست و ابتکار خود این ها به وجود آمده، دور هسته هائیکه در واقع خارجی ها آن ها را به نام این ها به وجود آوردند، جمع شدند. رهبری جهاد بدین وسیله با تأسف به دست کشورهای خارجی از جمله شوروی هائی افتاد که شما از آن ها نام برده اید. اما فراموش نکنید که جنگ ها را سربازان به پیروزی میرسانند، اگر چه مدال ها به سینه جنرال ها آویخته می شود.

در مورد نمایندگان ملت باید عرض شود که متأسفانه ما تا امروز از لحاظ سیاسی و فکری در آن حدی نبوده ایم که بتوانیم آنگونه که لازم است نماینده ای داشته باشیم. آن هائی که در سال های جهاد در رأس جهاد و تنظیم ها قرار گرفتند هیچ وقت از جانب مردم برای پیشبرد بار این مسؤولیت بزرگ تعیین و انتخاب نشدند. کسانیکه به وسیله بیگانگان تبارز داده میشوند و به نمایندگی یک ملت انتخاب میگردند، نمیتوانند به صفت نماینده یک ملت از جانب

آن ملت شناخته شوند. یکی از بدبختی های ما این است که ما تا امروز شعور و و فهم سیاسی لازم را پیدا نکرده ایم که ارزش تشکلات سیاسی، انتخابات و داشتن نماینده را بدانیم.

در دوران جهاد، مانند امروز، یک مشت دزد و وطن فروش با صد هزار حیل و نیرنگ از بی خبری و سادگی ما استفاده کردند و خود را به نام نماینده های ما جازند. اینها نمایندگان مردم یا ملت نبودند!

آن هائی که در رأس تنظیم ها در پاکستان و ایران قرار داشتند همه از جانب همین کشور ها در رأس این تنظیم ها نصب شده بودند. اینها چگونه میتوانند نمایندگان مردم و ملت خوانده شوند.

۳- اگر راست بپرسید همه از آن غایله سود بردند، غیر از ما. ما همیشه به این فکر بودیم که هرچه که شد حداقل پیروزیی که ما داشتیم این بود که آزادی و استقلال خویشرا به دست آوردیم و روسها را از خاک خود بیرون نمودیم. ولی امروز می بینیم که نه استقلالی بود و نه آزادی! در باب انسحاب روسها هم، آنگونه که دیده و شنیده میشود، سخت در اشتباه بوده ایم!

۴- هیچ! غیر از افتخاری که با خاک یک سان شد!

۵- همه می دانیم که یک یک از اینها در خدمت بیگانه ها قرار دارند. دانستن این حقیقت که این ها، هر کدام، با دار و دسته شان حیثیت ستون پنجم کشور های ایران و پاکستان و عربستان و امریکا و روس و ... را در کشور ما دارند چه فایده ای به حال ما دارد، اگر ما در برابر این ها هیچکاری انجام نمی دهیم؟

این سؤال ها، اگر ما این ها را حمایت می کنیم، اگر ما این ها را در انتخابات پارلمانی به صفت نمایندگان خویش انتخاب می کنیم، اگر ما این ها را به صفت رئیس جمهور خویش انتخاب می کنیم و رئیس جمهور هم همه خابین را به نام معاون و ... در اطراف خود جمع می کند، چه درد ما را دوا خواهد کرد؟ این سؤال را برای آن می کنم که خیانت و جنایت رهبران به اصطلاح جهاد به هیچ یک از ما پوشیده نیست.

۶- چرا؟! همینطور است!

۷- هیچ تفاوتی میان آن و این از لحاظ معنا و مفهوم تجاوز وجود ندارد. بیگانه تفاوت میان امریکا و شوروی در این است که شوروی مانند امریکا پول کافی نداشت و الا می دیدید که همین سیاف و ربانی، اگر روس ها دست از حمایت نوکران خود برمی داشتند و اینها را براریکه قدرت مینشانند، چگونه زیر رکاب شوروی، همانگونه که زیر رکاب امریکا قرار گرفتند، قرار میگرفتند! خدای این ها پول است! اسلام و کمونیزم و شاه و گدا بهانه ای پیش نیست!

۸- نه! جهان غرب برای کشورکشائی های خویش و برای دست یافتن به منافع بیشتر در گستره جهانی نیاز به یک دشمن حقیقی یا دشمن مجازی دارد که به این بهانه بتواند مردم خویش را در جنگ های تجاوز کارانه ای خویش با خود همنا سازد. هراس افکندن میان مردم برای پیشبرد مقاصد توسعه طلبانه یکی از سیاست های کهنه جهان غرب است.

بوش به بهانه ذخایر سلاح های کشتار جمعی به عراق حمله کرد. کجا بود این سلاح های کشتار جمعی؟ صد ها ورق راپور از ده ها مرجع در امریکا به تأیید این خبر که عراق دارای سلاح های کشتار جمعی است هر شب برای چندین ماه از طریق تلویزیون به مردم نشان داده شد. بله! در کشور ما همین حالا کدام افرادی برسر قدرت اند؟ روابط امریکا و عربستان و پاکستان و ده ها کشور اسلامی دیگر را شما چگونه ارزیابی می کنید؟

دشمن امریکا نه اسلام است و نه یهودیت و مسیحیت و کمونیزم و مارکسیزم و نه روسیه و نه چین و هند. اینها دوست و دشمن دایمی ندارند. هرکسی که منافع شان را تهدید کند، همان کس دشمن اینهاست. در جنگ عمومی دوم

همه دیدیم که امریکا و انگلیس در کنار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرار گرفتند؛ نه در کنار المان که یک کشور سرمایه داری بود!

به هر حال این بازی ها به نظر من بسیار پیچیده است، ولی همانگونه که مسئولین سایت "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نوشته اند مطالعه نوشته ها در این سایت و سایت های دیگر در این خصوص رهنمای خوبی خواهند بود برای همه ما.

موفق باشید

یادداشت:

* - خوانندگان محترم شاید خود متوجه شده باشند، که هر دو طرز نگارش یعنی "مومند" و "مهمند" به ارتباط آن قوم به کار رفته است.

امید است این تذکر کفایت نماید تا هم به اختلاف نگارش آقای "داوود مومند" و جناب "سدید" خرده گرفته نشود و هم ویراستاران ما به بی توجهی متهم نگردند.

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA